



ظریف: امروزه کسی نمی‌تواند دید گاهش را بر دیگران تحمیل کند

وزیر امور خارجه با تأکید بر این که امروز هر یک جوان می‌تواند یک امپراطوری رسانه‌ای را شکست دهد، گفت: دوران امپراطوری‌ها و دوران تحریم به سر آمده و تنها راه ورود به دنیای بهتر انکاء به توانمندی داخلی است.

دکتر محمدجواد ظریف در کنگرهٔ «پرسش مهر ۱۶» که در سالن اجلاس سران برگزار شد با بیان این که همه ما تا پایان عمر دانش آموز هستیم، اظهار کرد: ما برای فهم و درک بهتر تلاش می‌کنیم. ما در حال حاضر در دنیایی زندگی می‌کنیم که آن را دنیای جهانی شده می‌گویند. معنای جهانی شدن در نخستین قدم گفت‌وگو برای شروع همکاری است.

وزیر امور خارجه با بیان این که اگر به شرایط کنونی نگاه کنیم و تصمیم‌گیران بین‌المللی به اندازه دانش آموزان ایرانی شجاعت فکر کردن داشته باشند، خواهند فهمید که در جهان جهانی شده بازی با حاصل جمع صفر بی‌معناست، گفت: در جهان جهانی شده تحمیل بر ملت‌ها ناپایدار است و نمی‌توان در کنار برخورداری، فقر و در کنار توسعه نیافتگی، توسعه یافتگی دید.

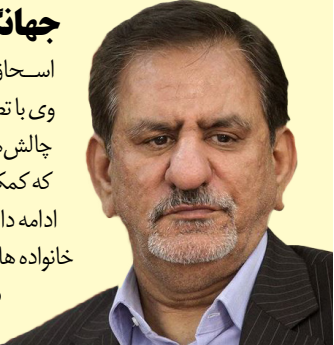
ظریف افزود: آمریکا انواع تحریم‌های غیرانسانی را به این مردم وارد کرد اما آن‌ها با حضور در پای صندوق‌های رأی نشان دادند که تحریم‌های تأثیر است و با این ملت نه با زبان تحریم بلکه باید با زبان تکريم سخن گفت و با احترام و پای میز مذاکره می‌توان به نتیجه رسید و نه با فشارهای اقتصادی و سیاسی.

وزیر امور خارجه با بیان این که مذاکرات هسته‌ای بر اساس همین واقعیت شکل گرفت، گفت: آمریکایی‌ها با سلطه و استکبار مدعی بودند که ایران نباید یک سانتی‌مقیوژ هم داشته باشد و به همین خاطر انواع تحریم‌ها را ایجاد کردند اما امروز با ۲۰ هزار سانتی‌مقیوژ مواجه شدند و آمریکایی که در زمان مذاکرات می‌گفت ایران نباید فراتر از IR۱ تایید فرایزر مدل تحقیق کند تاگزیر شد تحقیق بر روی IR۸ را نیز بپذیرد.

ظریف ادامه داد: آمریکایی که معتقد بود که فعالیت راکتور آب سنگین اراک به معنی تولید پلوتونیوم است و باید نابود شود، امروز نه تنها فعالیت آن را پذیرفته بلکه محصولش را می‌خرد و در بازرحای راکتور پیشرفته آب سنگین حضور دارد.

وزیر امور خارجه با بیان این که امروز در جهان جهانی شده قدرت نظامی و قدرت تبلیغاتی این اسکان را به هیچ کس نمی‌دهد که دیدگاهش را به دیگران تحمیل کند، گفت: حضور مردم این امکان را می‌دهد که در برابر هر فشاری ایستادگی کند. امروز تک‌تک انسان‌ها می‌توانند در دنیا اثرگذار باشند. ما قدرت عظیمی داریم و باید این قدرت را باور کنیم.

ظریف تأکید کرد: هر یک جوان می‌تواند یک امپراطوری رسانه‌یی را شکست دهد. دوران امپراطوری‌ها و دوران تحریم به سر آمده و تنها راه ورود به دنیای بهتر باور به این توانمندی و توانمندی درون است. ما این واقعیت را ارزان به دست نیاورده‌ایم که ارزان از دست بدهیم. این خودیابوری و اعتماد به نفس که امروز در بزرگ‌ترین دستاوردهای انقلاب همین خودباوری است. ما امروز نیازمند محیطی سالم، پرنشاط و دانش آموزشی لیخنند بر لب، کتاب در دست، گوشی شنوا در بدن و با زبان و فکری پرسشگر و شجاع هستیم و امیدوارم همه شما دانش‌آموزان و سا که باید تا آخر عمر دانش‌آموز به‌انیم این خصوصیات را داشته باشیم.



جهانگیری: اقتصاد ایران در ریل واقعی رشد و توسعه قرار گرفته است

اسحاق جهانگیری در آیین افتتاح طرح توسعه آمونیاک شهدای پتروشیمی مرودشت بیان کرد: اقتصاد کشور امروز در مسیر صحیحی و در ریل واقعی خود به سمت رشد و توسعه قرار گرفته است. وی با تصریح به اینکه امروز موانع اقتصادی یکی پس از دیگری از پیش روی اقتصاد کشور در حال برداشته شدن است، افزود: باید حرکت اقتصادی در کشور شتاب بیشتری بگیرد؛ چرا که هنوز هم چالش‌های جدی در این بخش مشاهده می‌شود. معاون اول رییس جمهور با بیان اینکه اقتصاد ایران باید پاسخ‌گوی اقتدار کشور باشد، خاطر نشان کرد: ایران امروز نه تنها کشوری امن و مقتدر است که کمک‌کننده به منطقه جهت ایجاد آرامش و تلاش برای از بین بردن تروریست در منطقه محسوب می‌شود که چنین کشوری باید اقتدار اقتصادی‌اش متناسب با شان و جایگاه آن باشد. جهانگیری ادامه داد: باید سرعت پیشرفت اقتصاد ایران به جایی برسد که به مسئله بیکاری و اشتغال به کار جوانان به ویژه جوانان فارغ التحصیل پاسخ دهد. وی با بیان اینکه اقتصاد ایران باید به جایی برسد که خانواده‌های ایرانی احساس آرامش کنند و در واقع درآمدشان رو به فزونی برود، عنوان کرد: در ابتدا باید تمام موانع پیش روی اقتصاد برداشته شود همانگونه که یکی از این چالش‌ها تحریم‌هایی بود که در طول سالها بر ایران تحمیل شد اما امروز خود غریبه‌ها معتقد به اجرایی شدن کامل برجام هستند.

اصلاح طلبان و اصولگرایان سال ۹۶ شکست می‌خورند

محمد هاشمی در گفت و گوی مشروح با «تابناک»

محمد هاشمی برادر کوچک‌تر رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، سال‌های سال از مبارزات علیه رژیم طاغوت، تا حزب جمهوری، دولت‌سازندگی و مجمع تشخیص مصلحت نظام برادر خود را همراهی کرده است؛ با این تفاوت که او در دانشگاه پر کلی کالیفرنیا تحصیل کرده و مدرک فوق لیسانس مدیریت خود را از این دانشگاه دریافت کرده است. او مدتی عضو شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی بوده است و پس از انحلال این حزب، به عنوان یکی از حامیان دوران سازندگی، و در تأسیس حزب کارگزاران سازندگی به عنوان عضو مؤسس شرکت کرد. ریاست ده ساله در سازمان صدا و سیما، معاونت نخست‌وزیری، سرپرستی وزارت امور خارجه، قائم مقامی وزیر امور خارجه، معاونت اجرایی رئیس جمهوری، عضویت در مجمع تشخیص مصلحت نظام از جمله مسئولیت‌هایی است که وی بر عهده داشته است. آنچه در ادامه می‌خوانید، بخش اول گفت و گوی مشروح خبرنگار «تابناک» با رئیس دفتر رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام است.



تحلیلیم از جریانات سیاسی شاید به مذاق برخی خوش نیاید

آقای هاشمی! به عنوان اولین سؤال، پیش‌بینی شما از آینده جریان اصولگرایی و اصلاح‌طلبی با توجه به در پیش بودن انتخابات ریاست جمهوری دوازدهم و پنجمین دوره انتخابات شورا‌های اسلامی شهر و روستا چیست؟

تحلیل بنده از جریانات سیاسی فعلی، شاید به مذاق خیلی‌ها خوش نیاید و این نوع سخنان درباره‌نحوه عملکرد گروه‌ها و جریانات سیاسی را برنتاباند. برداشت من این است که برای تحلیل گروه‌های سیاسی و عملکرد آن‌ها باید به اختصار نگاهی به گذشته و قبل از پیروزی انقلاب اسلامی داشته باشیم.

انتخابات و مجلس در دوران طاغوت نمایشی بود چطور؟

قبل از پیروزی انقلاب تکلیف حکومت وقت روشن بود. به عبارتی یک حکومت سلطنتی موروثی داشتیم که وابستگی شدیدی به خارج از مرزها، مخصوصاً به آمریکا و انگلیس داشت و البته امتیازاتی هم به شوروی سابق می‌داد؛ حکومتی که مردمسالار نبود و به آرای مردم توجه و نیازی احساس نمی‌کرد، چون مشروعیت خود را از طریق دیگری می‌گرفت و حامیان خود را به شکل دیگری با خود همراه می‌کرد. البته این حکومت برنامه‌های نمایشی نظیر انتخابات، مجلس و… هم داشت.

از حیث طیف مردمی نیز می‌توان مردم آن زمان را به سه‌دسته تقسیم کرد؛ دسته‌ای که به دین کاری نداشتند و لائیک محسوب می‌شدند. این افراد در حکومت جذب‌شده و حیات‌ورفا خود را در حکومت سلطنتی می‌دیدند. گروه دیگر افرادی بودند که به دین و مذهب کار داشتند و دینشان اعتقادی بود و بر همین اساس، مسأله اخلاق در جامعه مذهبی قبل از انقلاب جایگاه ویژه‌ای داشت و کسی که متدین و دین‌باور بود، حتما در زندگی اخلاق محور رفتار می‌کرد. دسته سوم افرادی در بین همین متدینان بودند که در پی اخلاق محوری به گروهی که توسط امام خمینی(ره) و روحانیت برای مقابله با حکومت شاهنشاهی ایجاد شده بود، گرویدند. این افراد بر اساس رهنمودهای امام وارد مبارزه شدند؛ هرچند می‌دانستند که ورود به مراحل مختلف مبارزه هزینه‌هایی برای آن‌ها خواهد داشت، اما بر اساس اعتقادی که وجود داشت، هزینه‌های ناشی از مقابله با حکومت سلطنتی را هم پذیرفته بودند.

اول انقلاب کسی برای پست و مقام نمی‌جنگید

خوب این شرایط بعد از پیروزی انقلاب تغییر پیدا کرد؟

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، در زمان حیات امام و اوایل پیروزی انقلاب، قشری از همین مذهبیین با اعتقاد قبلی و استواری بر مبانی اخلاق محوری به امام گرویدند و در خدمت انقلاب بودند. این افراد برای پست و مقام نمی‌جنگیدند، به یکدیگر اتهام نمی‌زدند و اخلاقی عمل می‌کردند، اما به تدریج این حالت کم‌رنگ و نوع جامعه سیاسی شد. به دنبال آن، کم‌کم اخلاق محوری و دین‌باوری جای خود را به سیاسی‌محوری داد و خطوط مختلفی با عناوینی مثل چپ‌راست و بعد از آن اصولگرا، اصلاح طلب و اعتدال‌گرا شکل گرفت.

این تفکیک‌ها و تلاش برای رسیدن به پست و مقام بدون در نظر داشتن اخلاق باعث شد، عملکرد بعضی افراد رنگ و بوی سیاسی بگیرد و این سیاسی عمل کردن عاملی شد تا از تعابیری نظیر تلاش برای خدمت‌رسانی، نهمت‌زدن به دیگران، عدم تخریب رقیب و… فاصله بگیریم.

در دوران احمدی نژاد به دین و باورهای مقدس مردم لطمه خورد

اوج مسأله سیاسی محوری پس از انقلاب اسلامی به دوران احمدی نژاد بازمی‌گردد که اتهام‌زدن به دیگران، تخریب افراد، زیر سؤال بردن گذشته، خودمحوری و اقداماتی از این قبیل، در کنار انجام کارها و ادعاهای سخیف نظیر هاله‌نور دیدن و کارهایی که دین‌را در جامعه خراب می‌کرد و به باورهای مقدس مردم نظیر اعتقاد به امام زمان (عج) و نقش و جایگاه روحانیت لطمه می‌زد، سکه‌ر می‌شد. متأسفانه عده‌ای در آن دوران موهومات خود را مطرح می‌کردند و این باعث اظهار تنفر و فاصله گرفتن عده‌ای از این جریانات شد، اما در کمال تأسف رسانه ملی، برخی خبرگزاری‌ها و روزنامه‌ها و سایت‌ها و حتی برخی تریبون‌های مقدس با این موضوعات همراهی کرده و به آن دامن می‌زدند که باید در قبال آن روزها پاسخگو باشند.

اما اصل سؤال من که آینده جریانات سیاسی به ویژه در انتخابات ریاست جمهوری سال آینده است، هنوز بی پاسخ مانده؟

هم اکنون سه جریان در جامعه ما وجود دارد. جریان اصلاح طلب که از اوایل انقلاب تحت عناوینی مثل خط امامی فعالیت می‌کرد که همانطور که از اسمش پیداست راه امام را دنبال می‌کردند و در همین چارچوب به دنبال اصلاحگری در قالب همین خط امام بوده‌هستند. جریان دیگری به نام اصولگرا که مثل جریان اول نزدیکی به امام نداشت و جریان سومی هم به نام اعتدال که نوع نگاهش متفاوت از این دو جناح بود و در دوران‌های مختلف مورد تهاجم جریان اصلاح

طلب و اصولگرا که عمدتاً قدرت را در دست داشتند، قرار می‌گرفت.

رای عبدالیون بیشتر از اصولگرایان و اصلاح طلبان است

با همه این تفاسیر، جناح راست یا همان اصولگرایان یک رای ستنی در جامعه ـ بین جریانات سیاسی و مردم ـ دارد که همواره ثابت بوده است، میزان مقبولیت این طیفه رای ۱۸ تا نهایتاً ۲۰ درصد مردم و جامعه را شامل می‌شود. جریان چپ یا همان اصلاح طلبان هم به‌نظرم بالای ۲۰ تا ۲۵ درصد بین مردم جامعه و گروه‌های سیاسی مقبولیت دارد، اما مقبولیتی که جریان سوم، یعنی اعتدالیون دارند، بیشتر از دو جناح اصولگرا و اصلاح طلب است و می‌تواند مقبولیت و رای ۲۶ تا ۴۰ درصد جامعه را شامل شود. البته عده‌ای هم به نام طیف خاکستری در جامعه هستند که معمولاً در لحظه و زمان و متناسب با موجی که در جامعه ایجاد شده تصمیم‌گیری می‌کنند.

ممکن است نوع نگاه مردم به جریانات سیاسی عوض شود یا میزان آرایی که شما برای آن‌ها متصور شدید تغییر پیدا کند؟

من برای آینده نزدیک افق تغییریی نمی‌بینم و این امر را بیشتر متأثر از فاصله گرفتن این گروه‌های سیاسی از اخلاق می‌دانم.

اصولگرایان و اصلاح طلبان نمی‌توانند پیروز انتخابات ۹۲ باشند

اگر این گروه‌ها بتوانند چهره‌های شاخص خود را به میدان انتخابات آتی وارد کنند، چطور؟ باز هم از نظر شما تغییری ایجاد نخواهد شد و کار برای آقای روحانی سخت نمی‌شود؟
جناح اصولگرایکسری چهره‌هایی داشته که در ده، سه انتخابات اخیر آن‌ها را معرفی و کاندیدا کرده‌است، اما آن‌ها نتوانسته‌اند آرای لازم را به‌دست بیاورند؛ به عنوان مثال، در انتخابات ۹۲ شاهد بودیم که این طیف شش، هفت کاندیدای خود را وارد عرصه انتخابات کردند، ولی توفیقی نداشتند. این نشان می‌دهد یک شخصیت ملی در میان آن‌ها نبوده که بتواند آرای ملی به‌دست بیاورد. در خصوص اصلاح طلبان هم شرایط کم و بیش شبیه اصولگرایان است، البته یک مشکلی که این طیف دارد این است که افرادی دارند که بتوانند اجماع ورآی ملی به‌دست بیاورند، اما به دلایل مختلف نمی‌توانند این افراد را وارد عرصه انتخابات کنند.

اگر در جریان اصولگرا و در طرف مقابل اصلاح طلب، ائتلافی شکل بگیرد و هر یک از آن‌ها بایک کاندیدای مورد توافق همه گروه‌های آن جریان وارد عرصه انتخابات سال آینده شوند، در این شرایطی می‌توانند پیروز انتخابات باشند یا خیر؟

اگر ائتلاف کنند هم من فکر نمی‌کنم فردی از جریان اصولگرا یا اصلاح طلب باشد که بتواند آرای لازم را در انتخابات سال آینده به‌دست بیاورد.

مخالفت هاشمی با حجاج‌یان و باهنر درباره استقرار سیستم حزبی

شما عنوان کردید که خیلی از اخلاق محوری در فعالیت‌های سیاسی فاصله گرفته‌ایم و فکر نمی‌کنید که برای پاسخگو کردن احزاب و افراد در قبال ادعاها و مسائلی که مطرح می‌کنند و همچنین پاسخگویی در قبال عملکرد باید به سمت فراگیر کردن تحزب با فعالیت بر پایه «سیستم حزبی» -موضوعی که اخیراً توسط یکی از توروسین‌های جریان اصلاحات مطرح شده و محمدرضا باهنر هم با آن اعلام موافقت کرده است- برویم؟

نظام و ساختار سیاسی ما مثل کشورهایی که بر اساس فعالیت ۲ یا چند حزب فعالیت می‌کنند، نیست و آن را بر نمی‌تابد. مادر حال حاضر بیش از ۳۰۰ حزب در کشور داریم که بیشتر محفلی هستند. البته رفتارهایی که در قالب ۲ یا ۳ جناح کشور می‌شود، شبیه همان رفتارهای حزبی است؛ هرچند بیشتر این رفتارها جبهه‌ای است، مثلاً در مجلس و یا دولت وقتی رئیس از یک جناح انتخاب می‌شود، تمام عوامل مؤثر را عوض کرده و سعی می‌کند افرادی از جناح خود بر سر کار بگمارد. حزب به معنای «ماهو حزب» در کشور ما فراگیر نبوده و قدرتی نداشته است. بدین شکل که مثلاً یک حزب سیاسی کرسی‌های مجلس را تصاحب کرده و دولت تشکیل بدهد. البته ما چنین حالتی را نداریم و نمی‌توانیم داشته باشیم که بخشی از آن به خاطر قانون اساسی است. لذا ما نمی‌توانیم بر اساس «سیستم حزبی» فعالیت کنیم و حزبی باشیم.

مشکل جدی در کشور نداریم

که خواهان «سیستم حزبی» باشیم

ضعف را در کجای می‌دانید، احزاب، افراد یا قانون؟

می‌گویند احزاب پل ارتباطی بین دولت‌ها، نظام و مردم هستند. مادر شرایط فعلی مشکل جدی به‌آن معنا در کشور نداریم که بگوییم اگر «سیستم حزبی» بود شرایط ما بهتر بود. اگر بخواهیم به این شکل قضایا را بررسی کنیم، ملاحظه کردید که در دوره‌ای دولت، مجلس، قوه قضائیه و نهادها همه هم‌سوز و جناح راستی بودند. نتیجه چه شد؟ در آن حالت منافع ملی حفظ نشد و برخی فسادهای کلانی شکل گرفت که حکایت از این می‌کرد که به خاطر هم‌سوز بودن نهادهای نظارتی نخواستند، این جلوی چنین اقداماتی بیاستند و عوامل را معرفی کنند.

نظام رقابتی را به سیستم حزبی ترجیح می‌دهم

به نظر شما سیستم حزبی برای ما مطلوب‌تر است یا سیستم رقابتی فعلی؟

اگر در شرایط فعلی نظام و سیستم فعالیت احزاب، افراد و گروه‌ها مبتنی بر اخلاق باشد، به نظرم نظام رقابتی برای ما بهتر است.

کارگزاران رفتار حزبی ندارد

همین بی اعتقادی شما به سیستم حزبی، باعث کناره‌گیری‌تان از کارگزاران شد یا اضافه شدن افراد جدید در حزب کارگزاران ونحوه فعالیت و عملکرد این حزب که بیشتر دلایل کناره‌گیری شما از حزب عنوان شده‌بود، باعث کنار گذاشتن فعالیت حزبی از سوی شما گشت؟

مسائلی که در خصوص اضافه شدن افراد جدید مطرح شده بود، یکی از دلایل کناره‌گیری ام از حزب بود، اما آنچه من عنوان کردم این بود که حزب دیگر حزب کارگزاران نبود، رفتار حزبی نداشت و جبهه‌ای عمل می‌کرد، برای همین به نظرم رسید که از حزب کارگزاران جدا شوم.

خوشحالم از حزب کارگزاران جدا شدم

از تصمیمی که برای کناره‌گیری از کارگزاران گرفتید پشیمان نیستید؟

زمانی که ما حزب کارگزاران را تشکیل دادیم، بر مبنای اهداف تعریف شده عمل می‌کردیم و آن دلیل واقعی فعالیت‌های کارگزاران بود. الان بعد از دو سال که از حزب جدا شده‌ام، از تصمیمی که گرفته‌ام راضی هستم و احساس می‌کنم که خیلی برلیم مفید بوده است.